

مقدمه

تمثیل، راه استدلال را کوتاه می‌کند.

(امانوئل کانت)

مدتها پیش از ابداع روان‌درمانگری جدید به وسیله فروید، داستانها، اساطیر و تمثیلهای به‌منزله یکی از عوامل اصلاح، بازسازی و درمان عامیانه، در کمک به حل تعارضات درونی انسانها نقش عمده‌ای ایفا می‌کرده‌اند. در فرهنگ شرقی، به‌ویژه در فرهنگ ایرانی، داستانها، افسانه‌ها، قصه‌های جن‌پوری، حکایات و تمثیلهای به‌منزله ابزار روان‌درمانگری و تعلیم و تربیت غیرمستقیم به‌طور روزمره به‌کار می‌رفتند. حتی هنوز هم در مشرق‌زمین، داستانها و تمثیلهای عامیانه، وسایل کمک‌آموزشی مهمی به‌شمار می‌روند که به‌عنوان وسیله سرگرمی و تفریح در فرایند آموزش سبکهای فکری، شیوه‌های مختلف پاسخگویی به‌مسائل، نگرشهای متنوع، شیوه‌های متفاوت و گوناگون زندگی، برداشت از وقایع و راهکارهای مقابله‌ای با چالشهای زندگی، استفاده می‌شوند.

نمونه‌های بی‌شماری وجود دارند که چگونگی اثربخشی داستانها را در حل مسائل زندگی به‌جای روان‌درمانگری نشان می‌دهند. شاید معروف‌ترین نمونه آنها شهرزاد قصه‌گو باشد؛ کسی که با مجموعه هزارویک‌شب، قصه‌ها را استادانه و با زیرکی تمام برای مداوای پادشاه مبتلا به جنون و بیماری روانی به‌کار گرفته است (پزشکیان، ۱۹۸۲).

داستانهای هزارویک‌شب را می‌توان از دو دیدگاه تحلیل کرد: نخست، درمان موفقیت‌آمیز حاکم بیمار به‌وسیله شهرزاد قصه‌گو و دوم، نقش درمانی داستانها و اثربخشی آنها در خواننده یا شنونده. این‌گونه به‌نظر می‌رسد که شنوندگان یا خوانندگان قصه‌ها، درحالی‌که به‌متن و محتوای حکایت توجه می‌کنند، پندواندرز و راهکارهایی را که داستان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ارائه می‌دهد، به‌خوبی درون‌سازی و جذب می‌کنند.

فراسوی هزارویک‌شب و افسانه‌هایی که به‌درست یا غلط درخصوص آن ساخته و پرداخته شده است، در گستره ادبیات فارسی، نقش قصه، داستان و تمثیل، کمک به مردم برای ایجاد تغییرات مفید و سودمند در زندگی بوده است. شاید به‌همین دلیل است که شاهکارهای نثر و نظم در ادب فارسی، آموزه‌های خود را در قالب قصه و تمثیل ارائه کرده‌اند.

با نگاهی به کتب و متون کهن فارسی از قبیل *سندبادنامه*، *مرزبان‌نامه*، *کلیله و دمنه*، *مثنوی معنوی*، *فیه مافیه*، *مقالات شمس*، *مثنویهای عطار*، *گلستان*، *شاهنامه فردوسی* و ... درمی‌یابیم که افسانه‌ها، داستانها، اساطیر و تمثیلهای فارسی همچون پارچه زرین اصیلی هستند که به‌دقت تمام برای مقاصد خاص آموزشی-تربیتی، طراحی شده‌اند.

مثلاً عطار که در مثنویهای خود، از زبان دیوانگان عاقل یا عاقلان مجنون‌نما با مردم سخن می‌گوید، عملاً با یاری جستن از مفهوم دیوانه و از زبان و ذهن آنان در پی ارائه ذهنیت و نگرشهای متفاوت به مردم است. مثنوی معنوی مولوی که نقطه اوج تجلی قدرت و نفوذ تمثیل در شعر فارسی است نیز، داستان و قصه را ابزار بازسازی شناختی، بازآموزی و اصلاح و تغییر رفتار ساخته است. در گستره ادبیات فارسی، افسانه،

مثل، قصه و تمثیل برای ایجاد آگاهی، اصلاح نظام فکری، آموزش «دیدن» و «فکر کردن» و «عمل کردن» به شیوه‌ای متفاوت از عادات روزمره به کار گرفته شده‌اند.

تمثیل با ظرافت خاص خود از طریق تصویرسازی عینی مفاهیم پیچیده، به شنونده یا خواننده می‌آموزد که هر چیزی واجد یک ساخت است و در درون هر ساختی، همواره تغییر امکان‌پذیر است و اینکه همواره بیش از یک منظر یا چشم‌انداز وجود دارد. هدف از تدوین این کتاب، معرفی کاربردی تمثیلهای فارسی در بستر روشهای علمی شناخت‌درمانگری جدید است. امید است جمع‌آوری این تمثیلهای در این کتاب بتواند به فرایند و ساختار درمان‌شناختی، برای شناخت‌درمان‌گران و مشاوران ایران‌زمین، کمک ناچیزی کند.

در اینجا لازم است متذکر شوم که اگر پسخوراندهای خوب و عمیق دانشجویانم در دوره‌های کارورزی کارشناسی ارشد در دانشگاه فردوسی مشهد، نسبت به کاربردی خودانگیخته تمثیلهای در جلسات شناخت‌درمانگری نبود و اگر گرمای آفتاب معنوی تشویقها و اندرزهای راهنمای بزرگوار همیشگی و پیر و استاد فرزانه‌ام، سرکار خانم دکتر پریخ دادستان، نبود، شاید جوانه نهال به‌کارگیری تمثیل در شناخت‌درمانگری در حوزه کارهای شخصی و فعالیت‌های حرفه‌ای خودم محبوس می‌شد و هرگز تحول نمی‌یافت تا به صورت درختی شکیل برای دیگران نیز منافی فراهم سازد. در اینجا بر خود فرض می‌دانم که از کنجکاو و شوق دانشجویانم در دانشگاه فردوسی و حمایت‌های سرکار خانم دکتر دادستان یاد و قدردانی کنم. همچنین لازم می‌بینم از حمایت‌های بی‌شائبه همسر، عفت‌سادات میرعبداللهی و یاریهای صمیمانه خانم هدا برازنده سپاس‌گزاری کنم. در اینجا جای دارد از همکار خوبم جناب آقای حسن حمیدپور، روان‌شناس بالینی، که متن کتاب را با آیین‌نامه نگارشی انتشارات «سمت» تطبیق داده است، تقدیر و تشکر کنم.

بدون حمایت‌های این عزیزان، انجام شدن این اثر به سادگی میسر نبود. قدردان زحماتشان هستم.

علی صاحبی